

متن پرسش

سلام علیکم: استاد در تفسیر سوره حدید حدیثی را بیان فرمودید که بالاترین عبادت فکر کردن است و از این تفسیر شما نسبت به این حدیث یه بی میلی نسبت به اعمال دیگر بجز واجبات در انسان بوجود می آید، مثلا طرف می گوید اگر اینطور است من بجز واجبات اعمال دیگری انجام نمی دهم و فقط فکر می کنم، استاد این چطور باید حل شود برای فرد؟ آیا می شود به این موضوع اینطور نگاه کرد، یعنی اگر قرار است قرب به سوی خدا پیدا کنیم یکی از لوازمش تفکر است یکی اش نماز شب است یکی اش گریه بر مصائب اهل بیت (ع) است و ... یا اگر هدف شناخت خدا است منظور شناخت اسماء و صفات، بگوئیم یکی از لوازمش تفکر است دیگری نماز شب و دیگری گریه بر مصائب اهل بیت (ع) و نوکری در خانه اهل بیت (ع) و... می شود گفت هیچ کدام بر آن یکی پیشی نمی گیرد و این ها با هم انسان را به آن هدف منظوره می رساند؟ در جای دیگری هم فرموده بودید کسانی هستند که اعمالی به آن صورت انجام نمی دهند ولی چون حضورشان زیاد است، بدون اعمالی زیاد، سیری سریع به سوی قرب خدا می کنند، و چیزی ذهنم را درگیر کرد این بود که فرض بفرمایید مثلا وجود نورانی حضرت امیر (ع) که مقامشان از تفکر هم بالاتر است و در مرتبه شهود هستند روزی هزار رکعت نماز می خواندند چطور می شود کسی بدون این اعمال به تنهایی، اولاً اینکه حضورش زیاد شود و دوما در فرض صحت با داشتن حضوری قوی در عالم هستی سیری سریع داشته باشد؟! و حضرتعالی قبول دارید کسی که نماز شب می خواند و ... مطمئناً بهتر می تواند فکر کند در اسماء و صفات خدا یا هدف های دیگری که دارد؟ آیا می توان گفت همه ی این اعمال به هم وصل هستند و جدایی ناپذیر از هم هستند؟ و لازم به ذکر است که حقیر با این عرایض نمی خواهم بگویم که شما نماز شب و ... را نفی می کنید. در این ایام ملتمس دعای خیرتان هستم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله متوجه و متذکر نکات خوبی هستید. آری! اگر معرفت انسان به حضرت معبود زیاد شد، آن طور که حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» در حدیث ۱۲ کتاب «چهل حدیث» می فرمایند که افضل عبادات، پیمودت تفکر در رابطه با خدا و آثار خداوند است؛ در آن صورت عبادات انسان روح دیگری به خود می گیرد و انسان با تکرار عبادات در آن معارف عالیه مستقر می شود و از قرب الهی تغذیه می کند. موفق باشید